

## بررسی سیر تطور آثار منطقی ابن سینا از منطق نه بخشی به منطق ده بخشی

سید احمد حسینی\*  
اکبر فایدهی\*\*

### چکیده

از ابن سینا آثار منطقی متعددی به جا مانده است. با مطالعه دقیق و تحلیل این آثار، تحول و تطوری در محتوا و ترتیب مباحث منطقی شیخ مشاهده می‌شود. با کمک گرفتن از آثاری که تاریخ نگارش مشخصی دارند می‌توان چگونگی سیر این تحول و مشخصات هر مرحله از تطور آن را تعیین کرد. بر این اساس و با ارائه ملاک‌هایی می‌توان این تحول محتوایی را به سه دوره متفاوت تقسیم کرد که عبارت‌اند از دوره ابتدایی که ارسطویی است، دوره میانی که دوره جدایی از ارسطو است و دوره پایانی که ابن سینا بیان و فصل بندی خاص خود را از منطق ارائه می‌کند. در نهایت و بر اساس این تقسیم بندی از دوره تحول منطق سینوی می‌توان تاریخ نگارش آن دسته از آثار منطقی را که تاریخ آنها دقیقاً مشخص نیست، معلوم کرد.  
کلیدواژه‌ها: منطق، ابن سینا، شفا، منطق المشرقیین، اشارات.

### درآمد

در سه دهه اخیر توجه به اندیشه‌ها و آثار فیلسوف بزرگ مسلمان، ابن سینا بسیار بیشتر شده است. در این دوره کتاب‌ها و مقالات بسیاری در بررسی افکار وی نوشته شده است و دانشمندان زیادی به تحقیق در باب آثار وی پرداخته‌اند. ابن سینا در مشرق زمین بیشتر به عنوان فیلسوفی مشایی و تابع ارسطو شناخته می‌شود و در مغرب زمین هم با عنوان فیلسوف نوافلاطونی مطالعه می‌شود؛ اما هر دوی این گرایش‌ها ابن سینا را در منطق تابع ارسطو به شمار می‌آورند. لذا ملاحظه می‌شود که

در مقایسه با مباحثی مانند متافیزیک یا نفس‌شناسی ابن‌سینا، تحقیقات کمتری در خصوص آثار منطقی وی صورت گرفته است.

ابن‌سینا آثار فراوانی را در منطق تألیف کرده است و جالب آنجاست که مباحث مربوط به منطق در همه آثار دائرة المعارفی ابن‌سینا مانند حکمه العروصیه، شفا، نجات، اشارات، دانشنامه علایی و عیون الحکمه وجود دارد. همین مسئله اهتمام شیخ به بحث منطق را نشان می‌دهد. این مسئله زمانی جالب‌تر می‌شود که ملاحظه می‌کنیم شیخ بعد از نگارش کتاب شفا، در هیچ اثر دیگری ریاضیات را ننگنجانده است. ابن‌سینا دلیل این امر را چنین بیان می‌کند که در ریاضیات اختلاف خاصی با آثار موجود نداشته است و لذا دلیلی برای نگارش مجدد آن نمی‌دیده است (ابن‌سینا، ۱۳۲۸، ص ۸). این در حالی است که وی بیش از یک سوم حجم آخرین کتاب خود - اشارات و تنبیهات - را به مباحث منطقی اختصاص داده است. اگر ابن‌سینا در منطق تابع محض ارسطو بود نیازی نمی‌دید تا در همه آثارش حجم بالایی را به منطق اختصاص دهد.

با مطالعه دقیق آثار منطقی ابن‌سینا ملاحظه می‌شود با آنکه ابن‌سینا در آثار دوران ابتدایی نویسندگی‌اش تا حد زیادی تابع منطق رایج ارسطوست و در فصل‌بندی و محتوا از روش رایج پیروی می‌کند،<sup>۱</sup> اما کم‌کم و در آثار بعدی‌اش از آنچه در سرزمین‌های اسلامی تحت عنوان منطق ارسطویی شناخته می‌شد فاصله می‌گیرد و بیان خاص خود را از منطق ارائه می‌کند. البته این حرکت و تطور به صورت ناگهانی صورت نمی‌گیرد بلکه در هر کدام از آثار منطقی شیخ گام خاصی در این مسیر برداشته می‌شود. این تطورات طیف وسیعی را دربرمی‌گیرد و از تغییرات محتوایی تا تغییرات ظاهری را شامل می‌شود. هر یک از آثار منطقی شیخ ترتیب مباحث و فصل‌بندی خاصی را از مسائل منطقی ارائه می‌کند که نشانگر نوع نگاه وی به این مسائل است. در آثار مختلف وی که به دوره‌های متفاوت تطور فکری وی تعلق دارند، بخش‌های خاصی حذف یا اضافه شده‌اند. گاه بخش‌هایی به صورت پررنگ‌تر و پراهمیت‌تر در آمده‌اند و بخش‌هایی نیز کم‌رنگ‌تر شده‌اند. با در نظر گرفتن این موارد و با لحاظ شخصیت دقیق شیخ و نگاه عمیق وی به مباحث علمی، نیاز به تحلیل دقیق‌تر آثار منطقی وی آشکار می‌شود. بررسی این تحولات و کشف دوره‌های متفاوت آن و بیان خصوصیات هر دوره، هدف اصلی این نوشتار است. در حاشیه این کار، می‌توان بر اساس تحلیل محتوایی و شکلی آثاری که تاریخ نگارش آنها مشخص نیست و مقایسه آن با خصوصیات متفاوت دوره‌های منطق نگاری ابن‌سینا، تاریخ تقریبی نگارش آنها را حدس زد.

## ادبیات تحقیق

تا به امروز چند تقسیم‌بندی از سیر تطور آثار و اندیشه‌های ابن سینا انجام شده است. گولمن آثار ابن سینا را به آثار بخارا، گرگانج، جرجان، ری، همدان و اصفهان تقسیم می‌کند (Gohlman, p. ۱۵۴). این تقسیم‌بندی بر اساس دوران اقامت او انجام گرفته است و اطلاعات اندکی را در خصوص ماهیت تحولات اندیشه‌ای شیخ به دست می‌دهد. از این منظر، تقسیم کوتاس فایده بیشتری دارد؛ چرا که وی این آثار را به پنج دوره ابتدایی، انتقالی، میانه، دوره حکمت مشرقی و دوره انتهایی تقسیم می‌کند (Gutas, p. ۱۴۵). این تقسیم هم با وجود نقاط مثبتی که دارد مانند تقسیم قبلی کلی است و ملاک‌های دقیقی را ارائه نمی‌کند. به علاوه که ممکن است لزوماً تحول در آثار منطقی شیخ با سایر اندیشه‌های او در دیگر حوزه‌ها منطبق نباشد. در تحقیق حاضر تلاش می‌شود تا با ارائه ملاک‌هایی دقیق تنها سیر تطور آثار و اندیشه‌های منطقی شیخ بررسی می‌شود. تقسیم‌بندی ما لزوماً بر مبنای زمان نخواهد بود بلکه بر مبنای تحولات محتوایی آثار ابن سینا در حوزه منطق خواهد بود.

با آنکه در خصوص تحلیل منطق ابن سینا تحقیقاتی انجام شده است - این تحقیقات در مقایسه با تحقیقات در زمینه آثار مابعدالطبیعی او سهم اندکی را به خود اختصاص می‌دهند - اما در مورد تحلیل تطور اندیشه‌های منطقی وی بحث اندکی صورت گرفته است. کتاب ارزشمند منطق سینوی به روایت نیکولاس رشر نوشته دکتر لطف الله نبوی به بیان نوآوری‌های ابن سینا نسبت به منطق ارسطویی مخصوصاً در بحث شرطی‌ها و موجبات اختصاص دارد (نبوی، ۱۳۸۱). اما ما در مقاله حاضر به سیر تطور آثار منطقی ابن سینا به تفکیک دوره‌ها و آثار می‌پردازیم و در ضمن تاریخ برخی آثار منطقی وی را معلوم می‌کنیم. دکتر ملکشاهی در مقاله "ابن سینا و تحول منطق ارسطو" که در سال ۱۳۵۴ در مجله مقالات و بررسی‌ها به چاپ رسیده است، از آغازگران بحث در خصوص نوآوری‌های ابن سینا نسبت به منطق ارسطویی است. اما از تحول در اندیشه‌های خود ابن سینا سخنی نمی‌گوید (ملکشاهی). از دیگر آثار در این زمینه می‌توان به مقاله‌های عالمانه دکتر احد فرامرز قراملکی با عنوان "الاشارات و التنبیهات سرآغاز منطق دوبخشی" اشاره کرد که در شماره ۲۴ مجله آینه پژوهش به چاپ رسیده است و نیز مقاله "تحول ساختاری در منطق نگاری ابن سینا و تأثیر تاریخی آن در دوره اسلامی" اشاره کرد که در شماره ۴۲ مجله حکمت سینوی به چاپ رسیده است. دکتر قراملکی در مقاله نخست بر کتاب *اشارات* تأکید دارد و در مقاله دوم هم به بررسی موردی چند تحول در منطق سینوی نسبت به منطق ارسطویی می‌پردازد و تأثیر این

تحوالات را در سنت منطق نگاری پس از ابن سینا نشان می‌دهد (قراملکی، ۱۳۸۸، ص ۵۶-۴۶). به همین ترتیب دکتر موسی اکرمی نیز بر تمایز میان منطق دو بخشی ابن سینا در مقابل منطق ۹ بخشی ارسطویی تأکید کرده است (Akrami, p. ۷). در این آثار بیشتر بر تفاوت میان منطق ارسطویی و منطق سینوی تمرکز می‌شود و منطق ابن سینا به عنوان یک امر ایستا در نظر گرفته می‌شود، طوری که گویی ابن سینا از ابتدا تصمیم خود را در خصوص منطق ارسطویی گرفته است و از همان ابتدا به نظریات نهایی خود در خصوص نحوه نگارش منطق و انتخاب مطالب و نوع فصل‌بندی خاص خود رسیده است و هیچ تحولی در آثار او وجود نداشته است. در مقاله حاضر می‌کوشیم با مقایسه آثار ابن سینا بر اساس ترتیب نگارش، ضمن ارائه تحلیل ساختاری، تحولات منطق سینوی را به طور سیستماتیک نشان دهیم و بدین ترتیب با ارائه ملاک‌های دقیقی، این تحولات را به سه دوره مشخص تقسیم کنیم. بر اساس این ملاک‌های مشخص، می‌توان تاریخ نگارش آن دسته از آثار منطقی ابن سینا را که تاریخ مشخصی ندارند، معلوم کرد.

در خصوص تعیین تاریخ نگارش کتاب‌های منطقی شیخ از جمله *منطق عیون الحکمه* تحقیقی انجام نشده است. تنها یک تحقیق عالمانه که آن هم توسط دکتر قراملکی به همراه خانم زینب برخوردار انجام شده است و در شماره ۴۲ مجله *حکمت سینوی* به چاپ رسیده است، به بررسی صحت انتساب کتاب *عیون الحکمه* به ابن سینا و نسبت آن با برخی دیگر از آثار منطقی ابن سینا می‌پردازد (برخورداری و فرامرز قراملکی، ص ۱۳۶-۱۳۱). ما در تحقیق حاضر می‌کوشیم ضمن تحلیل دقیق محتوای منطق *عیون الحکمه* و مقایسه آن با محتوای دیگر آثار منطقی شیخ، بر مبنای معیارهای مشخصی که برای هر یک از دوره‌های منطق نگاری سینوی ارائه می‌کنیم، تاریخ تألیف این کتاب را به همراه چند کتاب و رساله دیگری مشخص کنیم.

### روش تحقیق

در این تحقیق ابتدا به احصاء آثار عمده منطقی ابن سینا می‌پردازیم و سپس می‌کوشیم با یاری گرفتن از دستاوردهایی که پژوهشگران و ابن سینا شناسانی چون مرحوم مهدوی و یا دیمتری گوتاس در خصوص تاریخ آثار شیخ داشته‌اند، ترتیب نگارش آثار منطقی وی را به دست آوریم. با دانستن این ترتیب و با تحلیل دقیق این آثار می‌توانیم خط سیر و نحوه تطور آثار منطقی ابن سینا را استخراج کنیم. در ادامه بر اساس همین تحلیل، یک تقسیم‌بندی از دوره‌های متفاوت نگارش آثار منطقی ابن سینا ارائه می‌دهیم و ویژگی‌های اساسی و آثار عمده هر دوره را معرفی می‌کنیم.

در پایان می‌کوشیم بر اساس همین تقسیم‌بندی و بر اساس تحلیل محتوایی و شکلی، تاریخ نگارش برخی آثار منطقی دیگر را که تاریخ مشخصی ندارند، حدس بزنیم.

### آثار منطقی ابن سینا

از ابن سینا آثار منطقی بسیاری برجای مانده است. این آثار را می‌توان از لحاظ نوع نگارش به پنج دسته تقسیم کرد. دسته نخست، رساله‌هایی هستند که به صورت مستقل در باب منطق تألیف شده‌اند و یک دوره کامل منطق را ارائه می‌کنند، مانند *ارجوزه فی علم المنطق (القصیده المزدوجه)*. دسته دوم آثاری هستند که به طور مستقل و در منطق تألیف شده‌اند اما یک دوره کامل منطق را ارائه نمی‌کنند بلکه در باب بخش خاصی از مباحث منطقی هستند مانند انواع *القضایا<sup>۱</sup>* و *بیان ذوات الجبهه<sup>۲</sup>*. دسته سوم آنهایی هستند که در ضمن آثار دائرة المعارفی شیخ و به عنوان اولین بخش از این آثار وجود دارند – مانند *شفا، دانشنامه علائی و اشارات و تنبیهات*. دسته چهارم به آثاری اختصاص دارد که در ابتدا رساله‌های منطقی مستقلی بوده‌اند و بعداً در ضمن آثار دائرة المعارفی دیگری گنجانده شده‌اند مانند *مختصر الاوسط فی المنطق* که بعداً در ضمن *نجات گنجانده شد (مهدوی، ص ۲۱۷)*. دسته پنجم هم مباحث پراکنده منطقی هستند که در ضمن مباحث پراکنده دیگری از طبیعیات و الهیات مدون شده‌اند، مانند *الاجوبه عن المسائل العشره و تعلیقات*. احصای آثار منطقی ابن سینا بر مبنای فهرست دقیقی که مرحوم مهدوی از مصنفات شیخ ساخته است و بر اساس دسته بندی فوق چنین است:

دسته نخست	دسته دوم	دسته سوم	دسته چهارم	دسته پنجم
- ارجوزه فی علم المنطق - البهجه فی المنطق - الموجز الصغیر فی المنطق - مختصر الاوسط فی المنطق - مفاتیح الخزائن فی المنطق - المنطق الموجز - الموجزه فی اصول المنطق - النکت فی المنطق	- الاشارة الی علم المنطق - انواع القضایا - بیان ذوات الجبهه - تعقب الموضع الجدلی	- الحکمه العروضیه - الحکمه المشرقیه - شفا - دانشنامه علائی - اشارات و تنبیهات - الهدایه <sup>۴</sup>	- عیون الحکمه، - نجات	- اجوبه الشیخ رئیس ابی علی ابن سینا الی ابی سعید بن ابی الخیر، - الاجوبه عن المسائل العشره، - الاجوبه عن المسائل العشرینی، - تعلیقات،

این مقاله به بررسی سیر تحول آثار منطقی ابن سینا می‌پردازد لذا نیاز دارد تا به تحلیل آن دسته از مباحثی بپردازد که در هر یک از این آثار گنجانده شده است. از این رو تنها آن دسته از آثار

منطقی شیخ می‌تواند در این تحلیل کارگشا باشد که مشتمل بر تمامی مباحث منطقی است یا حداقل تلقی ابن سینا از آن یک اثر کامل منطقی بوده است. از این رو آثار دو دسته دوم و پنجم در این تحلیل به کار نمی‌آیند. دسته پنجم این آثار به بررسی برخی مباحث منطقی به صورت پراکنده می‌پردازند؛ برای نمونه ابن سینا در رساله *اجوبه الشيخ الرئيس ابن علی ابن سینا الی ابن سعید بن ابی الخیر*، از مباحث منطقی تنها به مسئله قیاس می‌پردازد. از آنجا که یکی از مبانی تحقیق حاضر بررسی مباحثی است که در آثار منطقی ابن سینا گنجانده شده است و نیز ترتیب این مباحث است، لذا بررسی دسته پنجم را کنار می‌گذاریم. آثار دسته دوم هم به مانند آثار دسته پنجم تنها به مبحثی خاص و جزئی از منطق می‌پردازند مانند رساله‌های *انواع القضا یا بیان ذوات الجبهه* که به ترتیب به مبحث قضا یا و جهات اختصاص دارند. این آثار نیز برای منظور ما مفید نیستند. بنابراین تحقیق خود را به آثاری محدود می‌کنیم که مشتمل بر یک دوره کامل منطقی است و یا حداقل تلقی ابن سینا از آن به عنوان یک دوره کامل منطق بوده است، یعنی دسته‌های نخست، سوم و چهارم.

#### ترتیب تاریخی آثار منطقی ابن سینا

تعیین دقیق ترتیب و تاریخ آثار ابن سینا دشوار است. این دشواری از آن روست که گاهی برخی از آثار چند اسم دارند مانند *الحکمة المشرقیه* یا *منطق المشرقیین* یا قسمتی از یک اثر در آثار دیگری وارد شده‌اند مانند *نجات* و *عیون الحکمه* یا برخی از آثار توسط شاگردان شیخ جمع‌آوری و تدوین شده‌اند مانند *مباحثات* و *تعلیقات*. از میان آثار منطقی، تاریخ نگارش برخی از آنها معلوم است و تاریخ نگارش برخی دیگر هنوز تعیین نشده است. از آثاری که تاریخ نگارش آنها معلوم است می‌توان به *الحکمة العروصیه*، *ارجوزه فی المنطق*، *نجات*، *شفا*، *الحکمه المشرقیه* و *اشارات* و *تنبیها* اشاره کرد. از میان آثار منطقی شیخ که تاریخ نگارش آنها معلوم نیست نیز می‌توان به *عیون الحکمه*، *اقسام العلوم العقلیه*، *مفاتیح الخزائن فی المنطق*، *المنطق الموجز* و *الموجزه فی اصول المنطق* اشاره کرد. روش ما در این مقاله آن است که بر اساس ترتیب تاریخی آثاری که تاریخ تألیفشان معلوم است، خط سیر کلی تطور فکری ابن سینا را کشف کنیم و دوره‌های متفاوت منطق نگاری وی را بیان کنیم و در نهایت بر اساس این خط سیر، تاریخ آثاری که تاریخشان معلوم نیست را حدس بزنیم.

مرحوم مهدوی و دیمیتری گوتاس تاریخ نگارش حکمة العروضية را که دومین اثر شیخ و اولین اثر دائرة المعارفی اوست متعلق به زمان اقامت او در بخارا و سال ۳۹۱ می‌دانند (مهدوی، ص ۷۶؛ ۸۸، Gutas, p. ۸۸). گولمن هم آن را متعلق به پیش از سال ۳۹۲ می‌داند (Gohlman, p. ۱۰۴).

هم گولمن و هم مهدوی نگارش *ارجوزه فی المنطق* را متعلق به دورانی می‌داند که شیخ در گرگانج اقامت داشته است، یعنی بین سال‌های ۳۹۲ تا ۴۰۲ (مهدوی، ص ۲۸؛ ۱۰۴، Gohlman, p. ۱۰۴). گوتاس، تاریخ آغاز نگارش *شفا* را بین سال‌های ۴۰۶ تا ۴۱۲ حدس می‌زند و احتمال بیشتر می‌دهد که نگارش *شفا* در سال ۴۱۱ آغاز شده باشد. وی معتقد است نگارش *شفا* حداکثر تا سال ۴۱۸ طول کشیده باشد (Gutas, p. ۱۰۳-۱۰۴). مرحوم مهدوی نگارش بخش منطق *شفا* را در سال ۴۱۴ می‌داند (مهدوی، ص ۱۲۷).

جوزجانی در زندگی‌نامه می‌نویسد که ابن سینا نجات را بلافاصله پس از اتمام *شفا* نگاشت. پس احتمالاً نجات بین سال‌های ۴۱۷ و ۴۱۸ نوشته شده است. ابن سینا نجات را صرفاً از نوشته‌های پیشین گردآورده است.<sup>۵</sup>

مرحوم مهدوی نگارش *دانشنامه علایی* را در اصفهان بین سال‌های ۴۱۴ تا ۴۲۸ می‌داند اما بعید نمی‌داند که این کتاب در اوایل حضور شیخ در اصفهان نگاشته شده باشد. گوتاس هم تألیف این کتاب را حدود سال ۴۱۸ می‌داند (مهدوی، ص ۱۰۱؛ ۱۱۴، Gutas, p. ۱۱۴).

گوتاس تاریخ تألیف *الحکمة المشرقیة* را بین سال‌های ۴۱۸ تا ۴۲۰ می‌داند (Gutas, p. ۱۲۴) و تصور می‌کند که کتاب *اشارات و تنبیهات* بین سال‌های ۴۲۱ تا ۴۲۵ تألیف شده باشد (ibid, p. ۱۴۰). بنابر مباحث فوق می‌توان ترتیب نگارش آثار منطقی شیخ را بدین ترتیب بیان کرد:

نام اثر	تاریخ نگارش به هجری قمری
حکمة العروضية	۳۹۱
ارجوزه فی المنطق	۳۹۲ تا ۴۰۲
منطق شفا	۴۱۴
منطق نجات	۴۱۸
دانشنامه علایی	۴۱۸
الحکمة المشرقیة	۴۱۸ تا ۴۲۰
اشارات و تنبیهات	۴۲۱ تا ۴۲۵

### تطور آثار منطقی ابن سینا

با کنار هم قرار دادن آثار منطقی ابن سینا با لحاظ ترتیب تاریخی آنها که در بخش قبل نشان داده شد، و با تحلیل محتوایی این آثار، می‌توان سیر تحول اندیشه‌های منطقی شیخ را پی جویی کرد. اولین اثر شناخته شده ابن سینا در منطق، بخش نخست از کتاب *الحکمة العروضية* شامل بخش‌های زیر است: مدخل، (مقولات)، عبارت، (قیاس)، برهان، طوبیقا یا جدل، سوفسطیقا فی ابانه المواضع المغلطة للباحث، ریطوریق ای البلاغه فی الحکومه و الخطاب، فوایطیقی و هو کتاب بطوریقی فی الشعریات. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، ابن سینا در این اثر متقدم خود نه تنها از ترتیب مباحث ارسطویی پیروی می‌کند، بلکه حتی از الفاظ یونانی برای نامیدن هر یک از ابواب منطق بهره می‌گیرد.

دومین اثر منطقی ابن سینا که تاریخ مشخصی دارد، *ارجوزه فی المنطق* است که به صورت قصیده‌ای مشتمل بر همه ابواب منطق ارسطویی ساخته شده است. این ارجوزه که به *القصیده المزدوجه* هم معروف است از سنت منطق نه بخشی پیروی می‌کند. فصولی را که این قصیده پوشش می‌دهند عبارت‌اند از: الفاظ مفرده، کلیات خمس، مقولات، قضایا، نقیض و عکس، قیاس، قیاس المستثنی، استقرا و تمثیل، مواد المقدمات، برهان، مطالب، جدل، خطاب، شعر و مغالطه، حد و رسم (نسبتاً مفصل و در آخر قصیده). نکته جالب در مورد این رساله آن است که با آنکه مطالب منطقی به صورت قصیده و شعر بیان شده‌اند، اما بخش‌های مختلف منطق تقریباً با دقت از هم جدا شده‌اند به طوری که در پایان هر بخش ابن سینا با آوردن بیتی که معمولاً در بردارنده ستایش الهی است، پایان آن بخش را نشان می‌دهد. برای نمونه در پایان بحث از تصدیق‌ها می‌گوید: *فهذه ما قيل في التصديق والحمد لله على التوفيق.*

منطق *شفا* هم از منطقی که با عنوان ارسطویی شناخته می‌شد تبعیت می‌کند و دارای فنون ذیل است: مدخل، مقولات، عبارت، قیاس، برهان، جدل، مغالطه، خطاب، شعر. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود ابن سینا در این کتاب هم از منطق نه بخشی ارسطویی پیروی کرده است اما این بار برخلاف کتاب *الحکمة العروضية*، از اسامی یونانی برای نامیدن این ابواب استفاده نکرده است.

نجات نوع جدیدی از منطق نگاری ابن سینا را پیش می‌نهد؛ طوری که از این کتاب به بعد گویی نحوه چینش مطالب و ترتیب آنها متفاوت می‌شود. در این کتاب برای اولین بار مشاهده می‌شود که فصل‌بندی‌های دقیق و مرسوم در آثار پیشین ابن سینا وجود ندارد؛ بلکه مطالب به صورت پشت سر هم می‌آیند. در این روش جدید نگارش - که البته محدود به منطق هم نیست و

در الهیات و طبیعیات نجات هم به چشم می خورد - گویی ابن سینا از ارسطو فاصله می گیرد و از قید و بند ساختارهای ارسطویی خلاص می شود. او در اینجا در ترتیب مطالب دست می برد و آزادانه بخش هایی را که برای منطق مناسب نمی بیند حذف می کند. ترتیب مطالب منطق نجات به طور مختصر بدین گونه است: تصور و تصدیق، لفظ کلی و جزئی، ذاتی و عرضی، کلیات خمس، قضایا و اقسام آن، مواد قضایا، جهات، قیاس و انواع آن، قیاس دور و خلف، استقرا و تمثیل، مواد قضایا، برهان، حد و رسم، مقولات، مغالطه. همانگونه که ملاحظه می شود، در این کتاب نه تنها ابن سینا فصل بندی های رایج را کنار می گذارد بلکه برخی از بخش های منطق ارسطویی را نیز حذف می کند. این بخش ها که شیخ آنها را در منطق ضروری نمی دیده است عبارت اند از: جدل، خطابه و شعر. وی در این کتاب، مقولات را نیز از جایگاه خود جدا می کند و به اواخر کتاب منتقل می کند.

منطق دانشنامه علائی هم از این لحاظ بیشتر شبیه منطق نجات است و از کتاب هایی مانند شفا فاصله می گیرد. در این کتاب نیز فصل بندی دقیقی میان مطالب وجود ندارد و بخش های مختلف بدون فاصله پشت سر هم قرار گرفته اند. ترتیب مطالب این کتاب به طور مختصر عبارت است از: غرض منطق، کلی و جزئی، ذاتی و عرضی، کلیات خمس، حد و رسم، قضیه، اقسام قضایا، نقیض و عکس قضایا، قیاس، قیاس استثنایی و خلف، استقرا و تمثیل، مواد قضایا، برهان، مغالطات. همانگونه که ملاحظه می شود، در دانشنامه مبحث مربوط به حد و رسم از انتهای منطق جدا و به بعد از کلیات خمس منتقل می شود. به علاوه در این کتاب علاوه بر حذفیات کتاب نجات، بخش مقولات هم حذف شده است.

کتاب *الحکمة المشرقیة* سرآغاز دوره دیگری از منطق نگاری ابن سیناست. در این کتاب که از آن بخش اندکی باقی مانده است و آن هم یکسره به منطق اختصاص دارد ابن سینا منطق را علم آلی می نامد و دوباره به فصل بندی ابواب منطق روی آورده است؛ اما این بار فصل بندی جدیدی را ارائه می کند که نسبت به ابواب منطق ارسطویی متفاوت است. قسمت باقی مانده از منطق *الحکمة المشرقیة*، فن اول این کتاب است که به بحث از تصور و تصدیق می پردازد و تقریباً معادل مدخل و درباره عبارت است.<sup>۷</sup> بحث از حد و رسم نیز در مقاله نخست این فن آمده است. به نظر می رسد با توجه به اینکه ابن سینا مباحث مربوط به تصورات و تصدیقات را در یک فن قرار داده است، می توان حدس زد وی به احتمال زیاد مباحث مربوط به تصدیقات مانند قیاس و انواع آن را در فن دوم و برهان و مغالطه را در فن سوم بحث کرده است.<sup>۸</sup> زیرفصل های فن

نخست از منطق المشرقیین به طور مختصر عبارت‌اند از: کلی و جزئی، انواع دلالت، دلالت بر ماهیت، ذاتی و عرضی، حد، قضایا و اقسام آن، اجزای قضیه، موجهات. اشارات و تنبیهات که آخرین اثر عمده ابن‌سیناست نیز بر همان سیاق *الحکمة المشرقیه*، منطق را با فصل‌بندی جدیدی ارائه می‌کند که متفاوت از فصل‌بندی مرسوم ارسطویی و حتی متفاوت از فصل‌بندی‌های ابن‌سینا در کتب سابقش است. ابن‌سینا در این کتاب فصول کلی سه‌گانه در کتاب *الحکمة المشرقیه* را در هم می‌شکند و آن را به بخش‌های کوچک‌تری تقسیم می‌کند. بدین ترتیب در *اشارات* اهمیت مباحثی مانند تعریف، جهات و مبادی قیاس که شیخ در آن‌ها نوآوری‌های زیادی دارد بیشتر می‌شوند به حدی که به هر یک فصل مجزایی اختصاص پیدا می‌کند. در این کتاب همچنان اثری از مقولات، جدل، خطابه و شعر به چشم نمی‌خورد. در شمای زیر، بخش‌های مختلف کتاب‌های منطقی ابن‌سینا را در کنار هم قرار داده‌ایم تا راحت‌تر بتوان آن‌ها را مقایسه کرد. در این جدول کتاب‌ها به ترتیب تاریخ تألیف مرتب شده‌اند تا سیر تطور اندیشه ابن‌سینا بهتر مشخص شود.

الحکمة العروضية	ارجوزه فی المنطق	شفا	نجات	دانشنامه علانی	الحکمة المشرقیه	اشارات و تنبیهات
مدخل	مدخل	مدخل	تصور و تصدیق،	غرض منطق، کلی		تصور و تصدیق
مقولات	مقولات	مقولات	کلی و جزئی، ذاتی و عرضی،	و جزئی، ذاتی و عرضی، کلیات	فن اول	کلیات خمس و حد و رسم
عبارت	عبارت	عبارت	کلیات خمس، قضایا و	خمس، حد و رسم،	در تصور و تصدیق	قضایا
قیاس	قیاس	قیاس	اقسام آن، مواد قضایا،	قضیه و اقسام آن،		جهات
برهان	برهان	برهان	جهات، قیاس و انواع	تقیض و عکس،		تناقض و عکس
جدل	جدل	جدل	آن، قیاس دور و	قیاس، قیاس	فن دوم	مبادی قیاس
سوفسطیقا	خطابه	مغالطه	خلف،	استثنایی و خلف،	در قیاس	قیاس اقترانی
خطابه	شعر	خطابه	استقرا و تمثیل، مواد	استقرا و تمثیل، مواد		قیاس شرطی
شعریات	مغالطه	شعر	قضایا، برهان، حد و	قضایا، برهان،	فن سوم	برهان
	حد و رسم		رسم، مقولات، مغالطه	مغالطه	در برهان	مغالطه

همان‌طور که از در کنار هم قرار دادن و مقایسه این آثار معلوم می‌شود ابن‌سینا در طول دوران تحقیقات علمی و نگارش آثار منطقی خود خط سیر مشخصی را طی کرده است. وی در اوایل دوره منطق‌نگاری خود به منطق ارسطویی وفادار بوده است و آثار خود را در نه بخش و با عناوین ارسطویی تألیف می‌کرده است. رساله *الحکمة العروضية* که از نخستین تألیفات

ابن سیناست حتی عناوین یونانی فصل‌ها را نیز ذکر کرده است. قصیده المزدوجه نیز که اثری متقدم است، همه نه بخش منطق ارسطویی را پوشش می‌دهد. ابن سینا ابتدا آنقدر به این فصل‌بندی مقید بوده است که در ارجوزه با ذکر اییاتی در جدا کردن بخش‌ها تعمد داشته است. این مسئله در کتاب *شفا* نیز صادق است. ابن سینا منطق *شفا* را نیز بر اساس ابواب منطق ارسطویی تألیف کرده است. در این دوره مباحث مربوط به حد و رسم در انتهای منطق و یا گاهی در بخش برهان ذکر می‌شوند. می‌توان این دوره نخست را دوره ارسطویی نامید.

در *نجات* و *دانشنامه* که از لحاظ زمان تألیف هم به هم نزدیک‌اند و هر دو به دوره میانی منطق نگاری ابن سینا تعلق دارند، فصل‌بندی رایج به هم می‌ریزد و ابن سینا همه مطالب منطقی را پشت سر هم و با ترتیب جدیدی مطرح می‌سازد. گویی در این دوره شیخ از قید و بند فصول ارسطویی خلاص می‌شود و ساختمان منطق ارسطویی را می‌شکند تا در دوره بعد آن مصالحی را که می‌پسندد جدا کند و باقی را کنار بگذارد و در نهایت ساختمان جدیدی که همان منطق سینوی است را بنا کند. در آثار این دوره علاوه بر آنکه شاهد تغییر در ساختار چینش مطالب منطقی هستیم، مشاهده می‌کنیم که ابن سینا بحث‌هایی را که مناسب منطق نمی‌دیده است حذف می‌کند. در *نجات* جدل، خطابه و شعر حذف می‌شوند و در *دانشنامه*، علاوه بر فصول فوق، مقولات نیز حذف می‌شود.<sup>۹</sup> مباحث مربوط به حد و رسم که در دوره نخست در انتهای منطق قرار داشتند و در *نجات* هم کماکان در انتهاست، در *دانشنامه* به اوایل منطق و به بعد از بحث از کلیات خمس منتقل می‌شود. می‌توان این دوره دوم را دوره گذار از ارسطو نامید.

پس از این آثار، با آثاری مواجه می‌شویم که ابن سینا دوباره به فصل‌بندی مباحث منطقی روی می‌آورد اما این بار فصل‌بندی‌های خاص خود را ارائه می‌کند که با عناوین ارسطویی متفاوت است. گویی در اینجا شیخ دارد با استفاده از مصالحی که از ساختمان ارسطویی گرفته است و با حذف و اضافاتی که در آن وارد ساخته است، ساختمان جدیدی بنا می‌کند. وی در نخستین گام، منطق خاص خود را بر مبنای سه بخش تنظیم می‌کند. همان‌گونه که گذشت بر مبنای شواهدی حدس زده می‌شود که منطق *حکمة المشرقیه* شامل سه فن اصلی بوده است. وی سپس این فنون را به اجزای ریزتری می‌شکند تا در نهایت در کتاب *اشارات* منطقی در ده بخش معرفی می‌کند. در آثار این دوره نه تنها حذفیات سابق (مقولات، جدل، خطابه و شعر) کماکان خارج از منطق دانسته شده‌اند، بلکه نظام جدیدی از فصل‌بندی ابواب منطق ارائه می‌شود. در این دوره هم مباحث

مربوط به حد و رسم در اوایل منطق و بعد از کلیات خمس قرار دارد و حتی در اشارات بخش جدایی به این مباحث اختصاص پیدا می‌کند. می‌توان این دوره سوم را دوران پایانی نامید. بر اساس مباحث فوق می‌توان دوران منطق نگاری ابن سینا را به سه دوره مشخص تقسیم کرد که هر یک ویژگی‌های خاص خود را دارد. در هر دوره هم آثار مشخصی نوشته شده‌اند که گاهی اختلافات جزئی با هم دارند اما شباهت‌های اصلی میان آنها مانع از آن می‌شود که آنها را به دوره‌های متفاوتی متعلق بدانیم یا دوره‌های سه گانه منطق نگاری ابن سینا را به دوره‌های جزئی بیشتری فروبکاهیم. در نهایت ذکر این نکته لازم است که بر اساس تحلیل فوق، دوره نخست از سال ۳۹۱ هجری قمری تا ۴۱۴ را شامل می‌شود؛ دوره دوم از سال ۴۱۴ تا ۴۱۸ را و دوره سوم از سال ۴۱۸ تا ۴۲۸ را دربرمی‌گیرد. در جدول ذیل این سه دوره به همراه خصوصیات هر یک و آثاری که در هر کدام تألیف شده‌اند نشان داده شده است:

دوره	تعداد بخش‌ها	خصوصیات	نام اثر
دوره نخست	۹ بخشی	وجود همه بخش‌های منطق ارسطویی به همراه عناوین یونانی	الحکمه العروضیه
		وجود همه بخش‌های منطق ارسطویی بدون عناوین یونانی، مباحث مربوط به حد و رسم در پایان کتاب	ارجوزه فی المنطق شفا
دوره دوم	فصل‌بندی	فصل‌بندی ندارد. جدل، خطابه و شعر حذف شده‌اند. مباحث مربوط به حد و رسم همچنان در کتاب برهان	نجات
		فصل‌بندی ندارد. مقولات هم به حذفیات سابق اضافه شده است. مباحث مربوط به حد و رسم بعد از کلیات خمس آمده است.	دانشنامه علایی
دوره سوم	۳ بخشی	سه فن در تصور و تصدیق، قیاس و برهان دارد. مقولات، جدل، خطابه و شعر حذف شده‌اند. از حد و رسم در فن نخست بحث می‌شود.	الحکمه المشرقیه
	۸ بخشی	مقولات، جدل، خطابه و شعر حذف شده‌اند. فصول تصور و تصدیق و قیاس به بخش‌های ریزتری تقسیم می‌شوند. به موجبات بخش جداگانه‌ای اختصاص پیدا می‌کند.	مفاتیح الخزان فی المنطق
	۱۰ بخشی	مقولات، جدل، خطابه و شعر حذف شده‌اند. فصول تصور و تصدیق و قیاس به بخش‌های ریزتری تقسیم می‌شوند. به هر یک از مباحث تعریف (حد و رسم)، موجبات، مبادی قیاس فصل مجزایی اختصاص پیدا می‌کند.	اشارات و تنبیهات

تعیین تاریخ نگارش آن دسته از آثار منطقی ابن سینا که تاریخ نگارش آنها معلوم نیست همان‌گونه که گذشت، تاریخ تألیف برخی از آثار منطقی ابن سینا روشن نیست. از این دست می‌توان به عیون الحکمه، اقسام العلوم العقلیه، البهجه فی المنطق، المنطق الموجز، الموجزه فی

اصول المنطق و مفاتیح الخزائن فی المنطق اشاره کرد. در ادامه برآنیم تا با تحلیل شکلی و محتوایی این آثار و نیز مقایسه آنها با دیگر آثار شیخ که تاریخ مشخصی دارند، تاریخ این آثار را نیز مشخص کنیم.

ابن سینا در رساله *اقسام العلوم العقلیه* که به بیان چستی و ابواب علوم فلسفی اختصاص دارد، منطق را مشتمل بر نه بخش می‌داند که عبارت‌اند از: ایساغوجی یا مدخل، قاطیغوریاس یا مقولات، بارامیناس یا عباره، انولوطیقا یا تحلیل بالقیاس، انولوطیقا الثانیه یا مانودوطیقی یا برهان، طوبیقا یا دبالقیطی یا جدل، سوسفسطیقا یا نقض شبه المغالطین، روطوریقی یا خطابه، غرانیطقا یا شعر (ابن سینا، ۱۳۲۶ق، ص ۱۱۸-۱۱۶). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود ابن سینا در این فصل‌بندی کاملاً به منطق مرسوم ارسطویی وفادار است. بر اساس این شاهد و شواهدی دیگر می‌توان حدس زد این اثر متقدم باشد و به دوره نخست نویسنده شیخ تعلق داشته باشد.<sup>۱</sup> وی همچنین در این رساله از الفاظ یونانی برای نامیدن این فصول استفاده می‌کند. از این نظر، این رساله به الحکمه العروضیه شباهت دارد و به احتمال زیاد از نخستین تألیفات شیخ است.

مرحوم مهدوی منطق *عیون الحکمه* را همان رساله *الموجز الصغیر فی المنطق* می‌داند که بعداً سه فصل به باب برهان آن افزوده شد و بخش اول *عیون* را تشکیل داد (مهدوی، ص ۱۸۳ و ۲۲۲). بنابراین باید توجه داشت که اگر شیخ زمانی که رساله *الموجز* را به عنوان *منطق عیون الحکمه* قرار می‌داد تغییر عمده‌ای در آن ایجاد نکرده باشد و تنها به افزودن سه باب به برهان اکتفا کرده باشد، آنگاه یافتن تاریخ نگارش منطق *عیون الحکمه* در واقع به معنای یافتن تاریخ نگارش رساله *الموجز* خواهد بود.

در منطق *عیون الحکمه* ترتیب مطالب بر اساس منطق نه بخشی است و همه سرفصل‌های نه گانه منطق ارسطویی را پوشش می‌دهد. از این رو این کتاب نیز باید به دوره نخست منطق نگاری ابن سینا تعلق داشته باشد. این مباحث عبارت‌اند از: مفرد و مرکب، کلی و جزئی، ذاتی و عرضی، کلیات خمس، مقولات، قضیه و انواع آن، جهات، عکس، قیاس و اقسام آن، استقرا، تمثیل، مقدمات براهین، برهان، حد و رسم، جدل، مغالطه، خطابه، شعر.

جالب توجه است که با آنکه بخش‌های منطق *عیون الحکمه* با ذکر عنوان از هم جدا نشده‌اند اما گاهی بر سر مباحث عنوان "فصل" ذکر شده است. تعداد این فصل‌ها دقیقاً نه تا است اما نکته مهم آن است که این فصول دقیقاً بر سر مطالب وارد نشده‌اند بلکه در وسط بحث اضافه شده‌اند؛ گویی نویسنده اصرار داشته است به سنت منطق نگاری نه فصلی ارسطویی وفادار بماند که

خصوصیت دوره نخست منطق نگاری سینیوی است. محتوای کتاب عیون هم با کتاب‌های دوره نخست سازگاری دارد؛ چرا که ابن سینا مباحثی چون مقولات، جدل، خطابه و شعر را در عیون گنجانده است؛ این در حالی است که این مباحث در آثار دوره‌های دوم و سوم وجود ندارد. همچنین در این کتاب مباحث مربوط به حد و رسم در اواخر کتاب آمده است و این هم از ویژگی‌های آثار دوره نخست است.

از رساله *البهجه فی المنطق* تنها یک نسخه در استانبول وجود دارد که حتی مرحوم مهدوی هم اظهار می‌کند که آن را ندیده است (مهدوی، ۱۳۳۳، ص ۵۳). این رساله باین عبارت پایان می‌پذیرد که: "و اذ قد ذکرنا کلمات الکتب التسعه فلنختم الکتب حامدین و مصلین علی...". از همین عبارت معلوم می‌شود که رساله مشتمل بر نه باب بوده است و بنابراین باید به دوره نخست منطق نگاری ابن سینا تعلق داشته باشد که شیخ منطق را به سنت ارسطویی در نه باب تألیف می‌کرد.

رساله *المنطق الموجز* ابن سینا قاعدتا باید رساله‌ای متأخر باشد چرا که خود شیخ اعتراف می‌کند که این رساله را پس آنکه آثار فراوان مختصر و مفصلی در منطق نگاشته است به رشته تحریر درآورده است. نکته جالب آن است که فصل‌بندی این رساله نیز این فرضیه را تقویت می‌کند چرا که با فصل‌بندی دوره نهایی نویسندگی ابن سینا سازگار است. این رساله مشتمل بر سه مقاله است که به ترتیب عبارت‌اند از: ۱. مقدمات المنطق؛ ۲. فی الافصاح بالغرض المطلوب فی علم المنطق؛ ۳. فی تمام المنطق.

رساله *الموجزه فی اصول المنطق* نیز که حدس زده می‌شود بعد از شفا نوشته شده باشد (مهدوی، ۱۳۳۳، ص ۲۲۳) و از آثار متأخر شیخ باشد دارای سه بخش است که عبارت‌اند از دو مقاله و یک باب: مقاله ۱. معانی کتاب ایساغوجی مقاله؛ ۲. فی صورت القیاس و مادته؛ ۳. باب البرهان من الموجز فی اصول علم البرهان و بیان ان کل تعلیم و تعلم فممن علم سابق. از این نظر این اثر به آثار دوره سوم شباهت دارد و فرضیه مهدوی که آن را متعلق به بعد از شفا می‌داند نیز به صحت نزدیک است.

رساله *مفاتیح الخرائن فی المنطق* در ۸ مرتبه تدوین شده است. بر اساس گزارش مهدوی مرتبه هفتم این رساله در تألیف از مقدمات مطلقه و موجهه است و بنابراین باید این مرتبه را در قیاس دانست. از عبارات آخر رساله هم معلوم می‌شود که مرتبه هشتم در برهان بوده است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که این رساله از لحاظ شاکله بسیار به اشارات شباهت دارد و به

احتمال زیاد در دوره سوم منطق نگاری ابن سینا نوشته شده است. می توان جدول آثاری را که ما تاریخ نگارش آنها را حدس زده ایم بر اساس دوره های منطق نگاری ابن سینا بدین صورت نشان داد:

نام اثر	تعداد بخش ها	دوره
اقسام العلوم العقلیه	۹ بخشی	دوره نخست
عیون الحکمه		
البهجه فی المنطق		
	بدون فصل بندی	دوره دوم
المنطق الموجز	۳ بخشی	دوره سوم
الموجزه فی اصول المنطق		
مفاتیح الخزائن فی المنطق		
	۱۰ بخشی	

### جمع بندی

همان گونه که در مقاله مشاهده شد با مقایسه ساختار و محتوای آثار منطقی ابن سینا، تطور و سیر خاصی در این آثار به چشم می آید. با تحلیل آثار منطقی او با لحاظ ترتیب تاریخی معلوم می شود که ابن سینا در این سیر، رفته رفته هر چه بیشتر از منطق ارسطویی فاصله می گیرد و منطق خاص خود را بنا می کند. این خط سیر به سه دوره اصلی قابل تقسیم است که البته در هر دوره، تطورات فرعی تری نیز قابل تشخیص است. آثار متعلق به هر دوره از ویژگی های خاص مشترکی برخوردارند. ابن سینا در آثار دوره نخست خود به سنت ارسطویی پایبند است و حتی آنگاه که به این سنت انتقاداتی هم دارد، باز هم می کوشد تا از فصل بندی های نه بخشی مرسوم منطق ارسطویی تخطی نکند. ابن سینا در دوره دوم نگارش آثار منطقی، ساختارهای ارسطویی را در هم می شکند و مباحث منطقی را پشت سر هم و بدون ذکر فصل بندی مرسوم ارسطویی می آورد. او در این مرحله برخی از فصول منطق ارسطویی یعنی مقولات، جدل، خطابه و شعر را که برای منظور منطق زائد می داند حذف می کند. آثار متعلق به دوره سوم و دوره پایانی شیخ شاکله بندی و طراحی خاص ابن سینا را در منطق پیش می نهد. وی در آغازین دوره منطق را در سه

بخش ایساغوجی، قیاس و برهان می‌نویسد اما در ادامه هر یک از این بخش‌ها را باز به بخش‌های جزئی‌تری تقسیم می‌کند و مخصوصاً مباحثی را که در آن نوآوری بیشتری دارد - مانند تعریف یا جهات - به عنوان فصول مستقل قرار می‌دهد.

بر اساس تقسیم‌بندی سه گانه فوق از دوره‌های منطق نگاری ابن سینا می‌توان تاریخ نگارش آن دسته از آثاری را که تاریخشان مشخص نیست حدس زد. با تحلیل شکلی و تا حدی محتوایی این آثار معلوم می‌شود که *عیون الحکمه*، *اقسام العلوم العقلیه و البهجه فی المنطق*، به دوره نخست منطق نگاری ابن سینا تعلق دارند و رساله‌های *المنطق الموجز*، *الموجزه فی اصول المنطق و مفاتیح الخرائن فی المنطق* نیز به دوره سوم تعلق دارند.

#### پیشنهاد برای تحقیقات بیشتر

در این مقاله، ضمن ارائه پرسش‌های جدید، نیاز به انجام تحقیقات بیشتر به چشم می‌خورد. حال این پرسش مطرح می‌شود که چرا منطق سینوی این تحول را طی کرده است؟ چرا در آثار دوره پایانی منطق نگاری ابن سینا بخش‌هایی از منطق ارسطو حذف شده‌اند و بخش‌های دیگری پررنگ شده‌اند؟ کدام بخش‌ها حذف شده‌اند و بر کدام بخش‌ها تأکید بیشتری صورت گرفته است؟ نسبت بخش‌های حذف شده با هم چگونه است؟ آیا می‌توان شباهتی را میان این بخش‌ها یافت؟ ویژگی بخش‌های دیگری که با تأکید بیشتری مطرح شده‌اند چیست؟ آیا می‌توان از مقایسه بخش‌های حذف شده و بخش‌های پررنگ شده به تحلیل جدیدی از اندیشه منطقی ابن سینا رسید؟ به طور خلاصه تحول در منطق سینوی چگونه تحلیل می‌شود؟ پاسخ به این پرسش‌ها تحقیق مستقلی را می‌طلبد که نگارنده در حال انجام آن است؛ اما به طور خلاصه می‌توان اشاره کرد که در دوره پایانی منطق نگاری ابن سینا مباحث لفظی و مربوط به زبان حذف شده‌اند و بر بحث‌های وجودی تأکید شده است. این مسئله با در نظر گرفتن این حقیقت که ابن سینا منتقد مکتب بغداد بوده است روشن‌تر می‌شود. منطق دانان مکتب بغداد موضوع منطق را بررسی الفاظ از آن جهت که معنا را منتقل می‌کنند می‌دانستند. اما ابن سینا با این رویکرد مخالف است و منطق را راه و روش شناخت و علم می‌داند. علم هم در جای خود به شناخت واقع تعریف شده است و واقعیت هم برای ابن سینا مرکب از وجود و ماهیت است. حال اگر منطق بخواهد راه رسیدن به واقعیت را نشان دهد باید راه شناخت ماهیت - تعریف - وجود - برهان - را نشان دهد. لذا مشاهده می‌شود که وی مباحثی را که بیشتر رنگ و بوی زبانی داشته‌اند - مانند

جدل، خطابه و شعر - را حذف می‌کند و بر مباحثی که ماهیت و وجود را نشان می‌دهند یعنی تعریف و برهان تأکید می‌کند.

#### یادداشت‌ها

۱. نخستین نویسندگان منطق به زبان عربی به ترتیب ۹ گانه ذیل به مطالعه منطق می‌پرداختند: ایساغوجی، مقولات، عبارت، قیاس، برهان، جدل، مغالطه، خطابه، شعر. این ساختار به عنوان منطق ارسطویی مورد پذیرش منطق دانان مسلمانان نیز قرار گرفت (نبوی، ص ۱۲).
۲. مرحوم مهدوی می‌گوید نسخ این رساله تنها در استانبول وجود دارند (مهدوی، ص ۵۱).
۳. مرحوم مهدوی بیان می‌کند که نسخ خطی این رساله تنها در قاهره وجود دارند (مهدوی، ص ۵۴).
۴. بر اساس گزارش مرحوم مهدوی نسخه‌های بسیاری از این کتاب در کتابخانه‌های تهران و استانبول وجود دارد. همچنین این کتاب توسط دکتر سهیل انور تصحیح شده است و در استانبول به چاپ رسیده است (مهدوی، ص ۲۵۵).
۵. مهدوی معتقد است *مختصر الاوسط فی المنطق* که در جرجان به جوزجانی املا شده است، همان کتابی است که پس از تکمیل به عنوان *منطق نجات* قرار داده شد (مهدوی، ص ۲۱۷، ۲۲۶). بنابراین باید تاریخ نگارش بخش *منطق نجات* را بین سال‌های ۴۰۲ تا ۴۰۵ دانست. اما باید توجه داشت که شیخ در زمان وارد کردن بخش *منطق به نجات*، تغییراتی در آن داده است؛ همچنانکه مرحوم مهدوی معتقد است که شیخ آن رساله را تکمیل کرده است و در بخش برهان تغییراتی داده است و نیز قسمت مغالطات منطق حکمه *العروضیه* را بدان افزوده است. از این رو بهتر آن است که نگارش *منطق نجات* را نیز همگام با سایر بخش‌های آن لحاظ کنیم یعنی حدود سال ۴۱۸. نکته‌ای که در اینجا به نظر می‌رسد آن است که شاید نظریه مرحوم مهدوی مبنی بر ورود کتاب *المختصر الاوسط* به عنوان *منطق نجات* مقرون به صحت نباشد؛ از آن رو که اولاً حجم کتاب *المختصر الاوسط* بیشتر از *منطق نجات* است و منطقی به نظر نمی‌رسد که یک کتاب مفصل تر در ضمن کتابی مختصرتر قرار گرفته باشد. به علاوه فهرست مطالب کتاب *المختصر الاوسط* بر اساس منطق ۹ بخشی و دوره نخست منطق نگاری ابن سینا تنظیم شده است که با نظام نگارش کتاب *نجات* بسیار متفاوت است.

۶. تنها نسخه خطی این کتاب افتادگی‌هایی دارد و ما این افتادگی‌ها را که مستند به قول مهدوی و گوتاس است درون پرانتز قرار داده‌ایم (مهدوی، ص ۷۷؛ ۸۹، p. Gutas).
۷. در چاپ قاهره آمده الفن الاول فی التصور و التصدیق (ابن سینا، ۱۳۲۸ق، ص ۹). اما مرحوم مهدوی بر اساس نسخ خطی تنها تصور را ذکر کرده است و گفته الفن الاول فی التصور (مهدوی، ص ۹۱). محتوای متن نشان می‌دهد فن اول شامل تصدیق هم شده است.
۸. این فرضیه با وجود رسائلی مانند المنطق الموجز تقویت می‌شود. رساله المنطق الموجز رساله مختصری است که ابن سینا اعتراف می‌کند آن را پس از آثار مختصر و مفصل بسیاری که در منطق نگاشته است به رشته تحریر درمی‌آورد. از همین جا معلوم می‌شود که این رساله باید متأخر باشد و متعلق به دوران پایان نویسندگی شیخ. نکته جالب توجه این است که این اثر متأخر شیخ از یک نوع فصل‌بندی خاص و جدیدی برخوردار است که متعلق به خود ابن سیناست. این فصول عبارت‌اند از: ۱. مقدمات المنطق؛ ۲. فی الافصاح بالغرض المطلوب فی علم المنطق؛ ۳. فی تمام المنطق.
۹. خود ابن سینا در مقدمه مقولات شفا تصریح می‌کند که این مباحث را برای منطق ضروری و یا حتی شبه ضروری نمی‌بیند. وی حذف مقولات را برای منطق مضر نمی‌داند و حتی بر ده تا بودن آنها اصراری ندارد. اما ظاهراً تنها به دلیل تبعیت از فصل‌بندی ارسطویی که منهاج و عادت قوم بود هاست آن را در منطق خود گنجانده است (ابن سینا، ۱۴۰۴ق، ب، ج ۱، مقولات شفا، ص ۸-۴).
۱۰. یکی دیگر از شواهدی که این فرضیه را تقویت می‌کند، توجه به نوع تقسیم‌بندی است که ابن سینا از علوم ارائه می‌کند. شیخ الرئیس در رساله اقسام علوم عقلیه، هر یک از علوم نظری و عملی را به سه دسته تقسیم می‌کند. این تقسیم مطابق سنت ارسطویی است که در آثاری چون شفا هم دیده می‌شود (ابن سینا، ۱۳۲۶ق، ص ۱۰۸-۱۰۵؛ همو، ۱۴۰۴ الف، ص ۴) این در حالی است که او در منطق المشرقیین که اثر متأخری است، هر یک از علوم نظری و عملی را به چهار دسته تقسیم می‌کند. از همین جا معلوم می‌شود که رساله اقسام العلوم العقلیه باید به دوره نخست نویسندگی ابن سینا تعلق داشته باشد.

## منابع

ابن سینا، حسین بن عبدالله، *الاشارات و التنبیهات*، قم، نشر البلاغه، ۱۳۷۵.  
\_\_\_\_\_، *اقسام العلوم العقلیه*، ضمن تسع رسائل فی الحکمه و الطبیعیات، ج ۲، قاهره، دارالعرب، ۱۳۲۶ق.

\_\_\_\_\_، *منطق المشرقیین*، قاهره، المکتبه السلفیه، ۱۳۲۸ق.

\_\_\_\_\_، *الهیات شفا*، تحقیق سعید زاید، قم، مکتبه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.

\_\_\_\_\_، *منطق شفا*، تحقیق سعید زاید، قم، مکتبه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.

\_\_\_\_\_، *عیون الحکمه*، تحقیق عبدالرحمن بدوی، الطبعة الثانیه، بیروت، دارالقلم، ۱۹۸۰م.

ارسطو، *منطق*، تحقیق عبدالرحمن بدوی، قاهره، مطبعة دارالکتب المصریه، ۱۹۴۸م.

برخورداری، زینب؛ فرامرز قراملکی، احد، «الموجز الصغیر فی المنطق یا منطق عیون الحکمه،

رفع یک ابهام تاریخی»، *حکمت سینوی*، شماره ۴۲، ص ۱۳۹-۱۲۵، ۱۳۸۸.

فرامرز قراملکی، احد، «تحول ساختاری در منطق نگاری ابن سینا و تاثیر تاریخی آن در دوره

اسلامی»، *حکمت سینوی*، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، شماره ۴۲، ص ۶۰-۴۱، ۱۳۸۸.

\_\_\_\_\_، «الاشارات و التنبیهات سرآغاز منطق دویخشی»، *آینه پژوهش*، شماره ۲۴،

ص ۵۰-۳۸، ۱۳۷۳.

ملکشاهی، حسن، «ابن سینا و تحول منطق ارسطو»، *مقالات و بررسیها*، شماره ۲۳ و ۲۴،

ص ۱۵۸-۱۴۱، ۱۳۵۴.

مهدوی، یحیی، *فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۳.

نبوی، لطف‌الله، *منطق سینوی به روایت نیکولاس رشر*، تهران، شرکت انتشارات علمی و

فرهنگی، ۱۳۸۱.

Afnan, Soheil, M. *Avicenna, his life and works*, London: George Allen & unwin Ltd, ۱۹۵۸.

Akrami, Musa, *Ibn Sina's tow-partite versus nine-partite logicography, the road to universal logic, studies in universal logic*, ed. by. Arnold Koslow and Arthur Buchsbaum, Heidelberg: Springer, ۲۰۱۰.

Gohlman, William, E. *The Life of Ibn Sina*, New York: State University of New York Press, ۱۹۷۴.

Gutas, Dimitri, *Avicenna and the Aristotelian Tradition*, Leiden: Brill, ۱۹۸۸.